

@universitycalligraphy

مجموعه نوشتار  
به مناسبت نودمین سال تولد  
ایرج افشار

به کوشش:  
احسان الله شکراللهی  
غلامرضا امیرخانی

مجموعه نوشتار

به مناسبت نودمین سال تولد

ایرج افشار

سرشناسه: شکراللهی، احسان الله، ۱۳۳۷ -  
عنوان و نام پدیدآور: فرزانه ایران مدار / به کوشش احسان الله شکراللهی، غلامرضا امیرخانی  
مشخصات ظاهری: ۷۱۶ ص. مصور.  
مشخصات نشر: تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۴  
شابک: ۰ - ۲۵۱ - ۲۲۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
موضوع: افشار، ایرج، ۱۳۰۴ - ۱۳۸۹ - یادنامه‌ها  
موضوع: کتابشناسان - ایران - مقاله‌ها و خطابه‌ها  
شناسه افزوده: امیرخانی، غلامرضا، ۱۳۴۸ -  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۷ الف ۸ ش / ۱۰۰۴ Z  
رده بندی دیویی: ۹۲ / ۱۰  
شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۶۸۵۸۶

شماره فروست خانه کتاب

۴۹۷



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

خانه کتاب



عنوان: فرزانه ایران مدار

به کوشش: احسان الله شکراللهی، غلامرضا امیرخانی

ناشر: خانه کتاب با همکاری سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

نمایه‌ساز: سوده صیرفی

طراح جلد: علیرضا کرمی

صفحه‌آرا: عسگر ابراهیمی و طاهره قاسمی

ناظر چاپ: فاطمه بیگدلی

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بها: ۴۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۰ - ۲۵۱ - ۲۲۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸

لینوگرافی و چاپ: چاپخانه بوستان کتاب

تهران: خیابان انقلاب، بین صبا و فلسطین جنوبی، پلاک ۱۰۸۰، مؤسسه خانه کتاب

تلفن: ۸۳۳۳۹۸۵

@universitycalligraphy

## انجامه‌های خوش فرجام محمدحسین شیرازی (کاتب السلطان)

■ حمیدرضا قلیچ‌خانی

■ خوشنویس و دانش‌آموخته دکتری از دانشگاه دهلی

۵۵۱ فروردین‌ماه

انجامه‌های  
خوش فرجام  
محمدحسین شیرازی  
(کاتب السلطان)

محمدحسین را چنانکه شایسته اوست، نمی‌شناسیم؛ با این حال وی اطلاعات بسیاری را در انجامه آثارش آورده است که ما را در شناسایی زندگی هنری‌اش یاری می‌کند. وی در اواخر نیمه اول سده سیزدهم در شیراز چشم به جهان گشود. پدرش حاج محمدعلی تاجر شیرازی و مادرش دختر حاجی میرزا محمد تاجر شیرازی بوده است.<sup>۱</sup> بنا به نوشته خویش<sup>۲</sup> در ایام جوانی پس از این که خطش سر و سامانی یافته به تهران آمده است و توسط یکی از خاصان دربار به نزد ناصرالدین شاه شرفیاب شده و اوراقی از مثنوی مولوی را که در حال کتابت بوده به شاه عرضه داشته است. شاه نیز از هنر وی تمجید و او را به تکمیل مثنوی مأمور می‌کند. این اتفاق در سال ۱۲۷۹ ق. رخ می‌دهد و بنا بر انجامه دیوان حافظ<sup>۳</sup> که در ۱۲۷۹ ق. کتابت کرده است، از همین سال ملقب به «کاتب الحضرت السلطانی» می‌گردد. بنا بر رقم‌هایش وی در سال ۱۲۷۴ ق. «کاتب الصداره»<sup>۴</sup> و در ۱۲۷۵ ق. ملقب به «کاتب السلطان»<sup>۵</sup> شده است و در حدود چهل‌سالگی به بالاترین افتخارات دوره خویش دست یافته است. چنانچه وی نخستین اثر تاریخ‌دارش<sup>۶</sup> (سال ۱۲۶۰ ق.) را در حدود بیست‌سالگی نوشته باشد، در ۱۲۷۹ ق. در حدود چهل‌سالگی و دوره پختگی خویش بوده و ناصرالدین شاه به وی دستور کتابت دیوان شاعران ترکستان (سبک خراسانی) را

۱. بیگلی، ص ۶۸۹، همچنین در قطعه‌ای به سال ۱۲۷۸ ق. در کتابخانه ملی ملک.

۲. در ترجمه مثنوی مولانا، نسخه کتابخانه کاخ گلستان، ش ۶۸۱

۳. مجموعه دکتر اصغر مهدوی

۴. دستور لوزاره و سیر الملوکه کتابخانه ملی ایران، ش ۱۸۶۹۲

۵. مناجات خواجه عبدالله نصاری، کتابخانه دکتر اصغر مهدوی

۶. در کتابخانه کاخ گلستان (ش ۵۷۹) و در کتابخانه آستان قدس رضوی (ش ۸۹۵۹)

داده است. محمدحسین در انجامهٔ دیوان منوچهری دامغانی<sup>۱</sup> اظهار داشته که این وظیفه را به سال ۱۲۸۴ق. در بهترین شکل ممکن به پایان برده است. محمدحسین در شمار پرکارترین کاتبان نستعلیق فرار داد و خوشبختانه بسیاری از آثارش<sup>۲</sup> امروزه شناخته و معرفی شده است. با توجه به تاریخ آثار وی پیداست که وی بیش از پنجاه سال به کتابت اشتغال داشته است، و پرکارترین سال‌های آفرینش آثارش ۱۲۷۲ تا ۱۲۸۴ق. است و در اواخر دورهٔ ناصرالدین شاه که به میان‌سالی رسیده، قدری کم‌کارتر شده است، و در نخستین سال‌های سلطنت مظفرالدین شاه کاتب مقرر بوده است. بنا به تاریخ آخرین اثر محمدحسین که نسخه‌ای از «رباعیات خیام»<sup>۳</sup> در ۱۳۱۷ق. است، درمی‌یابیم که دست‌کم تا این سال در تهران می‌زیسته است اما از تاریخ دقیق درگذشت و مزار وی اطلاعی در دست نیست. در نتیجه محمدحسین در میان سال‌های ۱۲۶۰ تا ۱۳۱۷ق. نزدیک به شصت‌سال به کتابت حرفه‌ای نستعلیق اشتغال داشته و حدود هشتاد سال زیسته است، و این ابیات که در انجامهٔ اثرش ۱۳۱۶ق. نوشته، حسب‌الحال کهنسالی خویش است:

تا بُوَدم زَنسده در آفاق نـام	تا بُوَدم شَفقت شه دستگیر
مشق قلم همجو کمان کرد خم	عاقبتم قامت مانند تیر
شهرت مُلک من و شمشیر شاه	هر دو شد از لطف حق آفاق‌گیر

محمدحسین انجامه‌های برخی از آثارش را کوتاه و کاملاً بر مبنای سنت‌های کتابت، بسان دیگر کاتبان، نگاشته است؛ این دسته از آثارش شامل مرقعاتی چون مناجات‌نامهٔ خواجه عبدالله است، وی در بیشتر کتابت‌های پرکارش، برخلاف سنت معمول کاتبان، به انجامه‌های مفضل دست‌زده است و در آنها اطلاعات و نکات سودمندی را بیان کرده است.

محمدحسین شیرازی از معدود خوشنویسانی است که در انجامهٔ نسخه‌ها، نکات و توضیحات بسیاری دربارهٔ خود ارائه کرده است و به یقین می‌دانسته که بهترین و ماندگارترین محل برای بیان افکار و احساساتش چنین صفحه‌ای از روزگار است. از نثرهایی که در انجامهٔ نسخه‌های گوناگون که گاه چندصفحه را در برمی‌گیرد، به راحتی می‌توان دریافت که قلمی جذاب و پخته دارد و افزون بر ادب فارسی، در ادب عرب نیز تبخیر و تسلط لازم برای بنک هنرمند را دارد. از جمله نکاتی که از آثارش برمی‌آید این است که خود را مدیون دربار قاجار می‌داند، و از این که شاه در «بضاعت مزجاة او بعین عنایت نظر فرموده و متحلی بزبور قبول آن درگاه شده»

۱- کتابخانهٔ کاخ گلستان، ش ۴۳۹

۲- نکه محمدحسین شیرازی، ۱۳۹۴، نشر پیکره

۳- در کتابخانهٔ مجلس ملی ایران، ش ۱۸۲۲۰

بسیار خرسند است و به این که «در میان ارباب این صنعت بمزید اعتبار استظهار جوید» فخر و مباهات بسیار می‌کند. از آثاری که پیش از ۱۲۷۹ کتابت کرده مستفاد می‌شود که همچون بیشتر خوشنویسان، علاقه وافری به ورود در حلقه کاتبان سلطان داشته و امیدوار بوده است که دیوان پادشاه را کتابت کرده تا «شاید از برکت انفاس همایون چون در محضرش تحفه بری خود را از محنت و رنج بری بداری» و پس از نایل شدن به این افتخار، تا پایان عمر این رابطه را هر چه بیشتر و مستحکم‌تر حفظ کرده است و در اواخر عمر افزون بر «کاتب السلطان»، از لقب «مستوفی دیوان اعلی»<sup>۱</sup> نیز در رقم‌های خویش بهره برده است.



در اینجا آثاری را که انجامه‌های طولانی دارد و جملگی را دیده و متن‌شان را یادداشت کرده‌ام، معرفی می‌کنم. پس از آن به دسته‌بندی مضامین مشترک و بررسی برخی از نکات آن‌ها می‌پردازم:

- ۱- نسخه‌ای از دیوان ناصرالدین شاه قاجار، کتابت عالی نستعلیق. آغاز: «بسمله. ستایش پاک یزدانیرا سزاست که وجود اقدسش مبرا از چند و چونست و نیایش قادر سبحانی را رواست که ذات مقدّسش ...»  
انجامه: «هو العزیز از آنجا که مضمون این اشعار آبدار از مکنونات صدف خاطر حضرت شهریار تاج‌دار جهان‌مدار در قالب عباراتی که مستجمع فنون کنایات و استعارات است آشکار آمده و بیقین در اندک زمان در امصار و بلدان در دست هرسخندان درآمده نقل هر مجلس و محفل و سمر هر شتاب و کامل خواهد گردید، بخاطر فاطر این قاصر محمدحسین شیرازی که مدتی عمر خود را مصروف صنعت خط نموده تا از میان این فرق، گوی مسابقت ربوده چنین رسید که حیف باشد با این همه رنج، تحصیل گنج سعادت ننمایی این معانی بکر که بیروت و فکر از طبع همیون صادر آمده بهتر آنکه بحجله خط نیک نیز آرایش یابد شاید از برکت انفاس همایون چون در محضرش تحفه بری خود را از محنت و رنج بری بداری از حسن تربیتش محط رحمت شایان و مهبط عواطف نمایانت فرماید و الحمد لله علی اتمامه و الشکر علی انعامه حرره فی شهر جمادی الاول ۱۲۷۲»  
در کتابخانه مجلس شورا (به شماره ۵۰۹۸) که پیشتر در کتابخانه حاج سید نصرالله تقوی بوده است.
- ۲- رساله‌ای موجود در کتابخانه ملی ملک (به شماره ۵۲۴)، که در حاشیه صفحه انجامه آن، نام «میرزا آقاخان نوری»<sup>۲</sup> نوشته شده است.

۱- انجامه نسخه احوال سلطان محمود غزنوی (تألیف عباسقلی سپهر)، کتابخانه مجلس شورا، ش ۲۲۶۸  
۲- نسخه‌ای از مخزن الاسرار نظامی نیز در کتابخانه دانشگاه استانبول (به شماره ۴۶۶) نگهداری می‌شود که به میرزا آقاخان نوری صدر اعظم پیشکش شده است؛ همچنین نسخه ش ۱۸۶۹۲ کتابخانه ملی ایران.

آغاز: «بدانکه امثال فرمان خداوند متعال واجب نمی‌شود مگر در صورتیکه شخص بشرابط تکلیف متحقق شود ...»

انجامه: «تم الرساله. هو الفرد بر حسب حکم و فرمان رونق افزای ملک و ملت و زینت بخشای دین و دولت، جهان جلالت، مکان بسالت، کھف الوزرا، شمس الامراء، اختر برج وزارت و ثمین گوهر درج صدارت، اصل فتوت، شاخ مروت، کلکش عنبر بیز، و دستش گوهر ریز دولت ازو فزاینده و ملت ازو پاینده، جناب جلالتماب اشرف ارفع امجد افخم، صدر اعظم دام اقباله العالی، بید اقل بنده در گاه محمد حسین شیرازی، در شهر جمادی الاول سمت تحریر پذیرفت سنه ۱۲۷۴».

۳- نسخه‌ای از دستورالوزاره و سیر الملوک<sup>۱</sup> از خواجه نظام الملک توسی، موجود در کتابخانه ملی ایران (به شماره ۱۸۶۹۲)، با کتابت ممتاز نستعلیق.

آغاز: «حمدی از قطرات باران افزون و سپاسی از حیز قیاس بیرون...»

انجامه دستورالوزاره: «قد ختم الكتاب بعون الملك الوهاب از آنجا که خواجه ایران و قدوه جهان، فخر الاسلاف و شرف اخلاف، ساعد دولت و بازوی ملت، مطلع اقبال و مطمئح آمال، جامع بخت و هنر، صاحب اصل و گوهر، عمیدالدین، عز المسلمین، صفی الملئ، رضی الدوله، ظهردیوان و وجه السلطان، جناب جلالتماب، ارفع امجد اشرف اکرم، اعتمادالدوله العلیه العالیه، صدر اعظم میرزا آقاخان لازال مؤید الاحیاء الدین و نصر المجاهدین از کمال جود و بسط وجود، با آنکه برای سدید تاسیس هزار رسم جدید کرده، باز تشیید مبانی کهن نماید، و بعد از آنکه بهندسه روحانی بنای مزار قصر سلطانی نهاده باز تعمیر اطلال و دمن فرماید تا موجودها معدوم نشوند و ساختها مهدوم نگردند و تجربت سابق عاید روزگار لاحق شود و کارنامه اسلاف یادگار اخلاف گردد از جمله کتاب دستورالوزاره که منسوبست بوزیر دانادل خواجه نظام الملک در نصیحت فرزند و خطر اعتناق شغل وزارت، وقتی در ضمن مطالعه کتب علمیه بملاحظه آنجناب رسیده، بواسطه لفظ رقیق و معنی معقول و مثلهای جان پذیر و نکته‌های دلنشین زیاده مرغوب افتاد، باندک نظری معلوم فرمودند که بتحریر کتاب و تصرفات ناصواب در لفظ مصنف و مراد مؤلف خلل کلی راه یافته، بجرئی توجهی در مقام تنقیح و تصحیح برآمدند، و چون اصل نسخه بخطی ناپسند رقم یافته بود و صدمه حک و اصلاح و محو و اثبات نیز مزید آن علت شده غلام فدوی را که برآورده حضرتیم و پرورده نعمت و بدولت قربت سرافرازم و بشرف وفادت از دیگران ممتاز، احضار نموده بنگارش این کتاب مستطاب مأمور فرمودند. و این بنده احراز الحقوق النعمه و احتراز العقوق النقمه بعد از قلیل مدتی از عهده این کار نفضی جست. امید که مقبول طبع مهر مآثر شده، بر قلم نغایه و رقم پیمایه فقیر پرده عفو و اغماض فروپوشند، و انا العبد المذنب کاتب الصداره محمد حسین شیرازی غفرالله



له فی شهر شوال سنه ۱۲۷۴».

انجامه سیرالملوک: «تم کتاب سیرالملوک بعون الملك المعبود پوشیده نیست که در مذهب دانای لبیب و حکیم خبیر احیاء علوم دارسه و ابقاء رسوم طامسه سیرت نیست مرغوب و سنتی مندوب؛ بل ادای فرضی لازم و احقاق حقی متحتم، تا ماده علم که صلاح عالم و فلاح آدم بی او متصور نشود منقطع نگردد و تجربت اسلاف عابد روزگار اخلاف شود. لهذا شخص اول دولت و وکیل مطلق سلطنت مصدر مناقب و مفاخر مطلع محامد و مآثر، جناب جلالتمآب امجد ارفع افخم اعتمادالدوله، صدر اعظم میرزا آقاخان دام بقاؤه و زید فی العز ارتقاؤه، با وجود تعهد امور شاغله و تقلد مناصب جلیله از تتبع رسوم و مطالعه علوم و نشر اخبار اسلاف و ابقاء آثار اشراف خودداری نکند، از جمله یکچند خاطر مبارکش بمطالعه کتاب سیرالملوک که در خلوص نصیحت متفرد است مستأنس شده چون نسخه‌اش از کثرت غلط و سوء خط قابل انتفاع نبود، باندک توجهی تصحیح نموده، بنده فدویرا که ربیب نعمت و صنیع حضرتم بنگارش این کتاب مأمور فرمود. بنده فدوی احراز الحقوق النعمه و احتراز العقوق النقمه حسب الاستطاعه و علی قدرالطاقه در اندک زمان از عهده اینکار تفضی جست. امید که بمقتضای کرامت ذاتی و سماحت جبلی بر قلم بیمایه و رقم نفایه این فقیر خرده‌نگیرند و عذر قلت بضاعت و عدم استطاعت بپذیرند و انا العبد المذنب کاتب الضداره محمدحسین الشیرازی عفی عنه تحریرا فی شهر ذی الحجه الحرام ۱۲۷۴»

۴- نسخه‌ای از شش دفتر مثنوی مولانا، کتابت ممتاز نستعلیق، موجود در کتابخانه کاخ گلستان (به شماره ۶۸۱).

انجامه: «یکچند در محروسة شیراز، که شیرازه آبادش بدست حوادث مگسلاد، بنده خاکسار بر حسب شوق فطری عنان همت بتحصیل خط نستعلیق معطوف داشت و اوقات شبانه روزیرا بتکمیل این فن شریف مصروف تا قلمم از بنان سوده گشت و بنانم از قلم فرسوده. پس از یکچند که مداد و ليقه‌ام رام دست و سلیقه شد و ناظران بر نقش قلمم تحسین کردند و مطالعان بر حسن رقمم آفرین گفتند، با خود گفتم اگرچه در نظر قاصر این صور از جمالی، و این نقوش خالی از کمالی نیست، ولی تحدید این کم و کیف را حکیمی خبیر باید و تعیین این نقد و زیف را ناقدی بصیر. پس صفحه چند از کتاب مثنوی مولوی نگاشته دل بر کربت غربت نهادم و راه دارالخلافة باهره پیش گرفتم و همت برآن گماشته که این قطره را بدریا پیوندم و این ذره را بخورشید رسانم تا در ضمن معاشرت اصناف ناس یکی از خاصان درگاه آسمان جاه متعهد شد که اوراق مسطور را بملاحظه علیه رساند، و باین وسیله اگر مقتضی شد این ذره را در مقابله آفتاب عالم تاب بدارد، تا روزی بیایمردی آن مقرب درگاه کیوان‌جاه، این خاکسار را کلاه افتخار باسماں رسیده شرف خاکبوس حضور آفتاب‌ظهور دست داد، و اعلیحضرت آسمان بسطت خلاصه دودمان سلطنت کبری و نقاوه خلافت عظمی، وارث تخت جم، حامی ملک عجم، افضل من لبس

التاج و اعدل من جلس علی السریر، السلطان ابن السلطان ابن السلطان، و الخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان، شاهنشاه عالم پناه ولی النعم کل ممالک محروسه ایران، ناصرالدین شاه قاجار لازال مؤید الرفع قواعد الانصاف و هدم اساس الاعتساف، این خاکسار جان نثار را بعد از تحسین و سرافرازی ملوکانه بصنوف عظیبات به بیان کرامت ترجمان مخاطب فرموده به تمیم این کتاب مأمور فرمودند، و این بنده برحسب حکم محکم شاهانه و امر نافذ خسروانه وجود نابود خود را بملازمت نگارش موقوف و اوقات شبانه روز را بمواظبت کتابت مصروف داشت، و بیمن نامه ملوکانه و حسن تربیت شاهانه در قلیل مدتی بنوعی که نطق طاقت همگنان از آن قاصر است باتمام رسانید. امید که بمطالعه آن مدی الاعصار خاطر خطیر مبارک را انبساط وافی و نشاط کامل حاصل شود، و عدد سالهای زندگانش از نقاط و حروف این کتاب بتضاعیف مات و الوف در گذرد. این دعوت را بگاه تهلیل آمین آمین کناد جبرئیل، و انا العبد کاتب الحضرة السلطانی محمد حسین شیرازی غفرالله ذنوبه و سترالله عیوبه تحریراً فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۷۹»

۵- نسخه‌ای از گلستان سعدی، کتابت عالی نستعلیق، در کتابخانه کاخ گلستان (با شماره ۱۴۴۶).

انجامه: «... و عوام آمده و قلم شوقش از ادای این خدمت زمانی خستگی و کلال نه پذیرد، و دست و لوعش از استدامه اینطاعت آنی قرار و آسایش نگیرد، تا در این ایام که آخر فصل ربیع و گلستانست کتاب گلستانی باتمام رسانید مگر باشد که روزی نظری بنزعت در این گلستان فرمایند تا بنده جان نثار را کلاه افتخار باوج ماه رسد، و مزید اعتبار بین الامائل و الاشباه شود. اللهم انصر جیشه و ابد عیشه و اخذل اعدائه و اطل بقائه این دعوت را بگاه تهلیل آمین آمین کناد جبرئیل و انا العبد کاتب الحضرة السلطانی محمد حسین شیرازی، که بر حسب امر اقدس همایون بتعلیم خط شاهنشاه زاده اعظم اجل افخم نایب السلطنه العلیه روحی فداه سرافرازم شهر ذی حجه ۱۲۸۰»

۶- نسخه‌ای از دیوان حافظ، کتابت عالی نستعلیق، موجود در کتابخانه دکتر اصغر مهدوی. انجامه: «چون این بنده عمر خود را همواره مصروف خط نستعلیق داشته و بعون الله و تائیده پایه این فن را بجایی رفیع گذاشته که در نظر همه ارباب این صنعت، خط این بی بضاعت زیور کمالی تمام یافته، و تمام آنکه شود بحقیقت که پسندیده آید در حضرت ... مستوفی الممالک ... امید که این کتاب مستطاب دیوان خواجه شمس الدین حافظ را که دیباچه دفتر فقر و فنا و عنوان طریقه سلوک صفاست و برای آن پیش کش آن سده سنی و عتبه عالی است کتاب نموده است، نظر مرحمت و قبول در آن فرمایند و این بنده در گاه را بین الامثال مفتخر نمایند جزره و انا العبد الجانی کاتب الحضرة السلطانی، محمد حسین شیرازی غفرالله له فی شهر ذی حجه الحرام سنه ۱۲۸۳»

۷- نسخه‌ای از دیوان منوچهری دامغانی و عنصری بلخی، موجود در کتابخانه



کاخ گلستان (به شماره ۴۲۹):

انجامه: «هو العزيز چون پادشاه جمجاه مالک رقاب امم وارث دیهیم جم غیث الندی غوث السوری فلک الهمم لیث الوغا بدرالدجی ملک الامم رتبت افزای تخت کیهان خدایی شکوه اندوز قاعده فرمانروایی باسط بساط عدل و انصاف ماحی رسوم جور و اعتساف مشید اساس ملک و دین ظلّ الله فی الارضین شاهنشاه گردون بارگاه نامدار السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان ناصرالدین شاه قاجار لازال منصوراً بنصرالله و مؤید بتأییده همواره در بضاعت این بنده درگاه بنظر مرحمت و تشویق دیده و بعنایت رجوع خدمت سرافراز فرموده‌اند؛ لهذا خط این بی بضاعت زیوری تمام یافته و بکسوتی شاهدانه در نظر خاص و عام جلوه‌گر آمده سزد که باین موهبت سر افتخار باوج ماه رساند و در میان ارباب این صنعت بمزید اعتبار استظهار جوید چنانکه امر همایون در حق این بنده باستکتاب دواوین شعرای ترکستان شرف نفاذ یافته بود و بنده درگاه آسمان جاه این خدمت را بانجام رسانید و لله المنه و التأيید، و انا العبد کاتب الحضرت السلطانی محمدحسین شیرازی فی شهر ذی حجه الحرام سنه ۱۲۸۴»

۸- نسخه‌ای از ترجمه فارسی قرآن کریم، نستعلیق کتابت جلی ممتاز. موجود در کتابخانه کاخ گلستان (به شماره ۹۰).

انجامه: «چون پادشاه جمجاه ... ناصرالدین شاه قاجار ... همواره در بضاعت این بنده درگاه بنظر مرحمت و تشویق دیده و بعنایت رجوع خدمت سرافراز فرموده‌اند لهذا خط این بی بضاعت زیوری تمام یافته و بکسوتی شاهانه جلوه‌گر آمده سزد آنکه باین موهبت سر افتخار باوج ماه رساند و در میان ارباب این صنعت بمزید اعتبار استظهار جوید چنان که امر همایون در حق این بنده باستکتاب ترجمه کلام الله مجید شرف نفاذ یافته بود و بنده درگاه آسمان جاه، این خدمت را بانجام رسانید ... و انا العبد کاتب الحضرت السلطانی محمدحسین شیرازی غفر ذنوبه و ستر عیوبه سنه ۱۲۹۰».

۹- نسخه‌ای از کلیله و دمنه. کتابت ممتاز نستعلیق. موجود در کتابخانه ملی ملک (به شماره ۵۹۶۲).

آغاز: «کلیله و دمنه بهرامشاهی بسمله. سپاس و ستایش مر خدایرا ...»

انجامه: «لاجرم بنده فدوی و خانه‌زاد معنوی محمدحسین شیرازی ملقب بکاتب السلطانرا که پرورده ایندولت قضا صولتست و برآورده این حضرت سپهر حضرت و از اوایل عمر بسمت معلمی و مشاقتی نیابت سلطنت باقی سرافرازی داشته و اکنون نیز در ملازمت خدمت دفتر انشاء دستگاه والا درایت مفاخرت افرشته دارد محض اشاعه علم و افاضه هنر به تسطیر و تسوید این کتاب درایت امود حکایت نمود که در هر سطرش جواهر زواهر حکمت کسواد العین فی بیاضها مکنون و مستور است و از هر سطرش انوار رشد و هدایت

كما لا حيث العذراء من خلل الحجب فروزنده و مشهود مامور فرمودند این بنده نیز بحکم خلوص نیت و نصوص عبودیت در امثال مثال قضا خصال والا کوشیده و یکچند چشم از رامش تن و راحت دل پوشیده بکمتر وقتی این خدمت قلیل را چنانکه نه در خورد بساط مبارکست بنا بامر المأمور معذور انجام داد امید که نیک یابد در نظر عاطفت اثر حضرت خداوندزاده جهانیان بمضمون فتقبلها ربها بقبول حسن شرف قبول یابد تا مگر نام این بنده نیز در ظل دولت پاینده بر روی روزگار باقی و زنده بماند و کان ذلک فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۹۵»

۱۰- نسخه‌ای از مفتاح الفتوح، کتابت عالی نستعلیق. موجود در کتابخانه ملی ملک (به شماره ۵۵۷۲).

آغاز: «بسمله. ای ز لب لعل تو جانرا شریب / غبغب سیمین تو بهتر ز سبب ...»  
انجامه: «چون در این سال فرخنده فال خجسته مآل که سال طلوع کوکب سلطنت و اجلال و درخشیدن نیر فتح و اقبال و سنه مبارکه میلاد سعادت بنیاد یگانه درج سلطنت و شهریاری و فروزنده اختر برج ملوکت و جهانداری نونهال دوحه نصرت و اقبال و درخشان ستاره سعد فلک عظمت و اجلال، امیرزاده اسعد اکرم فتحعلی خان طول الله عمره و ادام الله ایام شوکته میباشد و از تأییدات خداوند متعال عدد سال مطابق است با آیه مبارکه نصر من الله و فتح قریب [۱۳۰۲] جمعی کثیر و جمعی فقیر از شعرای ادیب و فصحای اریب اشعار شیوا و قصاید غرا در تهنیت و تبریک این ولادت قریب السعاده عرض نموده این چاکر آستان عدالت بنیان کاتب الحضرة السلطان محمدحسین شیرازی آن قصاید و اشعار را مدون ساخت و مسقی بمفتاح الفتوح نمود»

۱۱- نسخه‌ای از احوال سلطان محمود غزنوی (تألیف عباسقلی سپهر)، کتابت عالی نستعلیق. موجود در کتابخانه مجلس شورا (به شماره ۲۲۶۸).

انجامه: «بنده در گاه آسمان جاه را که خط نستعلیق زیور کمال پذیرفته کسوتی شاهانه و بدیع پوشیده پرورده و برآورده این دولت قضا صولت بر قابلیت و استعداد و حسن سلیقه او حمل نتوان کرد بلکه خداوند جهان ... مظفرالدین شاه قاجار در بضاعت مزجاه او بعین عنایت نظر فرموده و متحلی بزیور قبول آن درگاه شده باستکتاب این کتاب امر و مقرر فرمودند ... بنا بامر المأمور معذور انجام داد مگر باشد که روزی نظری در این کتاب فرمایند و کمترین بنده در گاه کیوان جاه را بمراحم ملوکانه سرافراز و محظوظ فرمایند تا بنده جان نثار را کلاه افتخار به اوج ماه رسد و مزید و اعتبار بین الامائل و الاشباه شود ... و انا العبد الکاتب الحضرت السلطانی محمدحسین شیرازی مستوفی دیوان اعلی غفر ذنوبه و ستر عیوبه فی سنه ۱۳۱۶  
تا بودم زنده در افق نسام      تا بودم شفقت شه دستگیر  
مشق قلم همچو کمان کرد خم      عاقبتم قامت مانند تیر

شهرت ملک من و شمشیر شاه هر دو شد از لطف حق آفاق گیر»



محمدحسین با اعتماد بنفسی ستودنی در انجامه‌های مفضلش، به نکات بسیاری پرداخته است. انجامه‌های وی را از نظر سجع‌پردازی، انتخاب واژگان، اشتراک و افتراقش با انجامه‌ معاصرانش می‌توان مطالعه و بررسی کرد. در اینجا عناوینی را برگزیده‌ام و از انجامه‌های مفصل<sup>۱</sup> وی شواهدی را عیناً نقل می‌کنم تا اولویت‌های یکی از قله‌های خوشنویسی ایران را بهتر بشناسیم و با تجلی افکار و احساساتش در انجامه‌هایش بیش از پیش آشنا شویم. نیک می‌دانیم که اطلاعات بازمانده از روحیات و احساسات پنهان هنرمندان در کمتر متونی بازمانده و قابل پیگیری است و ازین رو این دست آگاهی‌ها - هرچند اندک - بسیار ارزشمند است.

### ۱- معرفی کتابی که نگاشته است و اشاره به اهمیت آن:

- «کتاب دستور الوزاره که منسوبست بوزیر دانادل خواجه نظام‌الملک در نصیحت فرزند و خطر اعتناق شغل وزارت ...»

- «مضمون این اشعار آبدار از مکنونات صدف خاطر حضرت شهریار تاج‌دار جهان‌مدار در قالب عباراتی که مستجمع فنون کنایات و استعاراتست آشکار آمده ...»  
- «این کتاب درایت‌آمود حکایت نمود که در هر سطرش جواهر زواهر حکمت کسواد العین فی بیاضها مکنون و مستور است و از هر سطرش انوار رشد و هدایت کما لاحت العذراء من خلل الحجب فروزنده و مشهود»

### ۲- توانایی‌اش در تصحیح متن و تدوین کتاب:

- «چون اصل نسخه بخطی ناپسند رقم یافته بود و صدمه حک و اصلاح و محو و اثبات نیز مزید آن علت شده ...»

- «جمعی کثیر و جمعی فقیر از شعرای ادیب و فصحای اریب اشعار شیوا و قصاید غرا در تهنیت و تبریک این ولادت قرین‌السعاده عرض نموده این چاکر آستان ... آن قصاید و اشعار را مدون ساخت و مسمی بمفتاح الفتوح نمود»

### ۳- ستایش‌های مفصل از حامی و تمجید از مهدی الیه:

- «کشف الوزرا شمس‌الامرا اختر برج وزارت و ثمین گوهر درج صدارت اصل فتوت شاخ مروت کلکش عنبربیز و دستش گوهرریز دولت ازو فزاینده و ملت ازو پاینده جناب جلالتمآب اشرف ارفع امجد افخم صدر اعظم دام اقباله العالی ...»

- «خواججه ایران و قدوده جهان فخرالاسلاف و شرف‌اخلاف ساعد دولت و بازوی ملت مطلع اقبال و مطمح آمال جامع بخت و هنر صاحب اصل و گوهر عمیدالدین عز المسلمین صفی‌المله رضی‌الدوله ظهر‌الدیوان و وجه السلطان جناب جلالتمآب ارفع امجد اشرف اکرم اعتماد‌الدوله العلیه العالیه ...»

۱. به انجامه‌های کوتاه وی اشاره نشده است.

انجامه‌های  
خوش فرجام  
محمدحسین شیرازی  
(کاتب السلطان)

- «شخص اول دولت و وکیل مطلق سلطنت مصدر مناقب و مفاخر مطلع محامد و مآثر جناب جلالتمآب امجد ارفع افخم اعتماد الدوله صدر اعظم میرزا آقاخان دام بقاؤه و زید فی العز ارتقاؤه ...»

۴- اشاره به زحمات و تلاش‌هایش در راه خط نستعلیق و تأیید صاحب‌ظران:

- «چون این بنده عمر خود را همواره مصروف خط نستعلیق داشته و بعون الله و تأییده پایه این فن را بجایی رفیع گذاشته که در نظر همه ارباب این صنعت، خط این بی‌بضاعت زیور کمالی تمام یافته»

- «این قاصر محمدحسین شیرازی که مدتی عمر خود را مصروف صنعت خط نموده ...»

- «بنده خاکسار بر حسب شوق فطری عنان همت بتحصیل خط نستعلیق معطوف داشت و اوقات شبانه روزی را بتکمیل این فن شریف مصروف تا قلمم از بنان سوده گشت و بنانم از قلم فرسوده پس از یکچند که مداد و لیکه‌ام رام دست و سلیقه شد و ناظران بر نقش قلمم تحسین کردند و مطالعان بر حسن رقمم آفرین گفتند»  
- «بنده درگاه آسمان جاه را که خط نستعلیق زیور کمال پذیرفته کسوتی شاهانه و بدیع پوشیده»

۵- خویش را پرورده توجه پادشاه و حامی می‌داند و از تأییدشان اظهار شرف می‌کند:

- «غلام فدوی را که برآورده حضرتیم و پرورده نعمت و بدولت قربت سرافرازم و بشرف وفادت از دیگران ممتاز»

- «بنده جان نثار را کلاه افتخار به اوج ماه رسد و مزید و اعتبار بین الامائل و الاشباه شود»

- «علیحضرت آسمان بسطت خلاصه دودمان سلطنت کبری ... این خاکسار جان نثار را بعد از تحسین و سرافرازی ملوکانه بصنوف عطیات به بیان کرامت ترجمان مخاطب فرموده به تتمیم این کتابم مأمور فرمودند»

- «بیمن نامه ملوکانه و حسن تربیت شاهانه در قلیل مدتی بنوعی که نطق طاقت همگنان از آن قاصر است باتمام رسانید»

- «روزی بهایمردی آن مقرب درگاه کیوان جاه این خاکسار را کلاه افتخار باسماں رسیده شرف خاکبوس حضور افتاب ظهور دست داد»

- «همواره در بضاعت این بنده درگاه بنظر مرحمت و تشویق دیده و بعنایت رجوع خدمت سرافراز فرموده‌اند»

- «لهذا خط این بی‌بضاعت زیوری تمام یافته و بکسوتی شاهانه در نظر خاص و عام جلوه‌گر آمده»

- «بنده فدوی و خانه‌زاد معنوی محمدحسین شیرازی ملقب بکاتب السلطانرا که پرورده ایندولت قضا صولتست و برآورده این حضرت سپهر حضرت»  
۶- مباحثات به تعلیم شاهزادگان:

- «بر حسب امر اقدس همایون بتعلیم خط شاهنشاهزاده اعظم اجل افخم نایب السلطنه العلیه روحی فداه سرافرازم»

- «از اوایل عمر بسمت معلمی و مشاقتی نیابت سلطنت باقی سرافرازی داشته»

۷- امید به یافتن موقعیت مناسب و سرآمد هنرمندان شدن:

- «شاید از برکت انفاس همایون چون در محضرش تحفه بری خود را از محنت و رنج بری بداری ...»

- «روزی نظری بنزهت در این گلستان فرمایند تا بنده جان نثار را کلاه افتخار باوج ماه رسد و مزید اعتبار بین الامثال و الاشباه شود»

- «امید که این کتاب مستطاب دیوان خواجه شمس‌الدین حافظ ... نظر مرحمت و قبول در آن فرمایند و این بنده درگاه را بین الامثال مفتخر نمایند»

- «سزد که باین موهبت سر افتخار باوج ماه رساند و در میان ارباب این صنعت بمزید اعتبار استظهار جوید»

۸- امید به جاودانگی نامش و در خواست عیب پوشی:

- «تا مگر نام این بنده نیز در ظل دولت پاینده بر روی روزگار باقی و زنده بماند»

- «امید که بمقتضای کرامت ذاتی و سماحت جبلی بر قلم بیمایه و رقم نقایه این

فقیر خرده نگیرند و عذر قلت بضاعت و عدم استطاعت بپذیرند ...»

- «بر قلم نقایه و رقم بیمایه فقیر پرده عفو و اغماض فرو پوشند»

### کتابنامه

- آتابای، بدری: فهرست دیوان‌های خطی و کتاب هزار و یکشب (ج ۲)، تهران، ۱۳۵۵.

- بختیار، مظفر: مرقع نی‌نامه جامی (خط میرعلی الکاتب در ۹۴۰ ق)، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۰.

- بیانی، مهدی: احوال و آثار خوشنویسان (۴ مجلد)، انتشارات علمی، تهران، (ج دوم) ۱۳۶۳.

- درایتی، مصطفی: فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا در ۱۲ مجلد)، کتابخانه مجلس شورا، ۱۳۸۹.

- قلیچ‌خانی، حمیدرضا: رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته، نشر روزنه، تهران، ۱۳۷۳.

- \_\_\_\_\_: معرفی و بررسی متن‌های آموزشی خوشنویسی (از سیده‌دم دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار)، در کتاب ماه هنر، تهران، شماره ۵۲ و ۵۴، بهمن و اسفند ۱۳۸۱.

- \_\_\_\_\_: فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی و هنرهای وابسته، نشر

روزنه، تهران، (چ سوم) ۱۳۹۰.

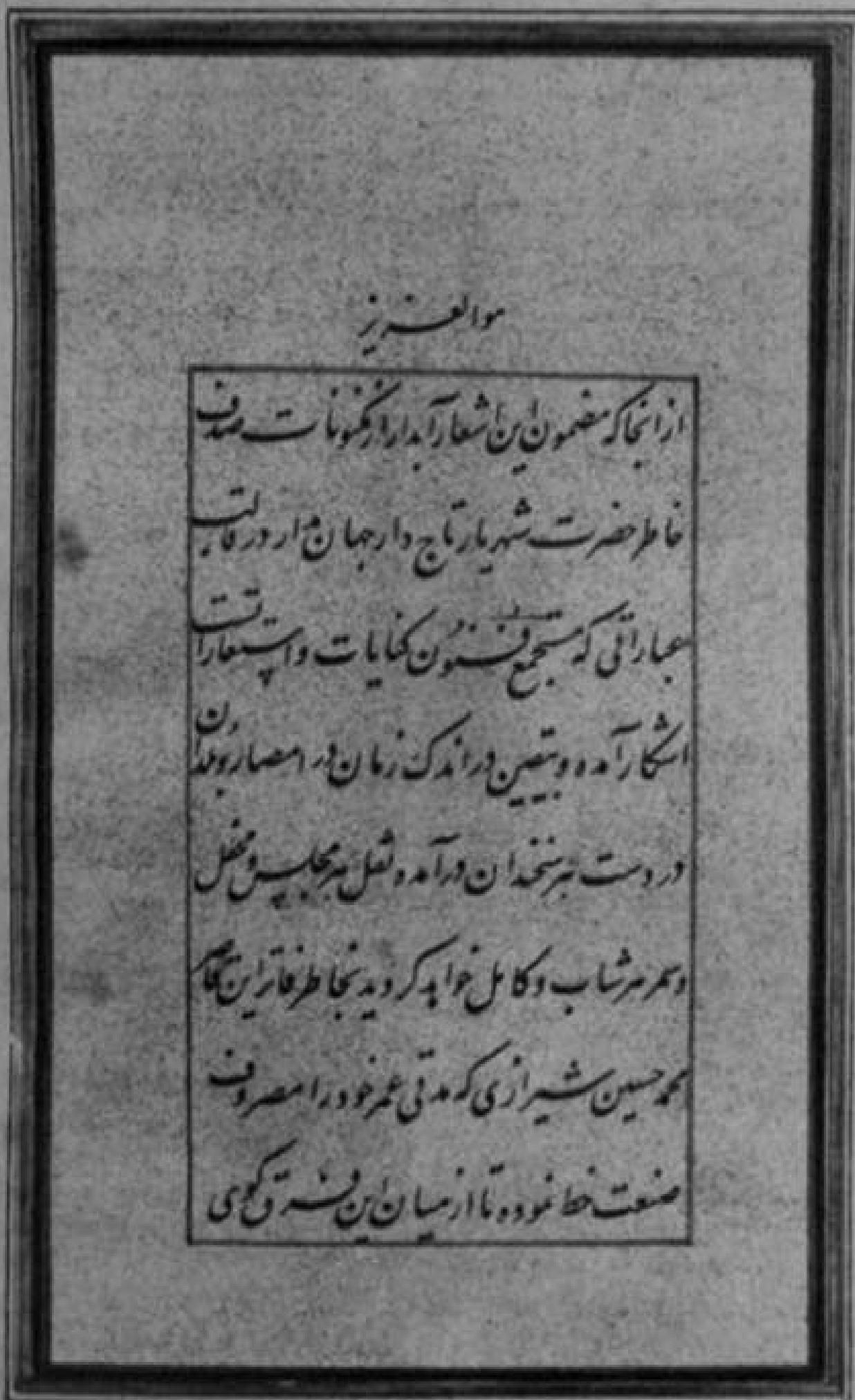
\_\_\_\_\_ : درآمدی بر خوشنویسی ایرانی، فرهنگ معاصر، تهران، تهران، ۱۳۹۲.

\_\_\_\_\_ : محمد حسین شیرازی، نشر بیکره، ۱۳۹۴.

\_\_\_\_\_ : کرم‌رضایی، پریسا: فهرست کاتبان نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، کتابخانه مجلس شورا، تهران، ۱۳۹۰.

\_\_\_\_\_ : هاشم‌پور سبحانی، توفیق و آق‌سو، حسام‌الدین: فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴.

### فهرست تصاویر:



روزنه، تهران، ۵۶۲

انجامه‌های

خوش فرجام

محمد حسین شیرازی

(کاتب السلطان)



بر حسب حکم و فرمان مؤلف آقای مکنت وقت وزارت پیرایه  
بر ریج دولت بجان جلالت مکان سالت کنت نوروز  
شمس الامرا اشراف وزارت و این که مروج صدارت  
مسئولت شایع هر دست گلشن عبیر پر به پیش کوه سر زده  
زود فرزند و وقت از پانیه و جناب جلالت شریف  
اربع ایروانم صدر اعظمم دهم بقادر علی  
پد اقل نبه دکاه و محمد حسن شیرازی شیر  
جادی اول سمت تحریر زیارت  
تستینه

انجامه رساله، کتابخانه ملی ملک، ش ۵۲۴

سابقه بود چنین سپید که سیف باشد با  
مروج تحقیق کج سپه اتی نمایی این صحنی که  
که پرویت و کوا طبع میون صادر آمد و بهتر که  
خطایکت تیر آرایش به شاید از بکت انوار  
میون چون در مخرج شش شری خود انجمن  
ورنج دیاری از خضرت پیش مقام محبت شایان  
و ضبط معارف نمایانت فرایه و انوار علی  
اتما سره اشکر علی انعام غده فی شکر او علی

انجامه دیوان ناصرالدین شاه، کتابخانه مجلس شورا،

ش ۵۰۹۸

بسم الله الرحمن الرحیم  
انجامه مفتاح الفتوح، کتابخانه ملی ملک، ش ۵۵۷۲

بسم الله الرحمن الرحیم  
انجامه کلیله و دمنه، کتابخانه ملی ملک، ش ۵۹۶۲

۵۶۲ فرزانگان  
انجامه های  
خوش فرجام  
محمد حسین ش  
(کاتب السلطان)



انجامه دستور الوزاره، کتابخانه ملی ایران، ش ۱۸۶۹۲



انجامه سیر الملوک، کتابخانه ملی ایران، ش ۱۸۶۹۲

شماره ۵۶۴

انجامه‌های  
خوش فرجام  
بد حسین شیرازی  
(کاتب السلطان)



انجامه دیوان منوچهری دامغانی و عنصری بلخی،  
کتابخانه کاخ گلستان، ش ۴۲۹



انجامه مثنوی مولانا، کتابخانه کاخ گلستان، ش ۶۸۱